

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

سبوشکن!!!

(از خاطرات گذشته)

به اقتفاء ازین شعر «یغما جندقی»

نگاه کن که نریزد، دهی چو باده به دستم
فدای چشم تو ساقی، بهوش باش که مستم

بهار را چه کنم کز بریدن است دو دستم	بدست خود که ز یک توبه ای، سبو بشکستم
چه جوش گل که گذشت و به دلبری ننشستم	چه جامها که کشیدند و جرعه ای نچشیدم
چه سر نهاده به دوشم، چه دست داده به دستم	چه بارها که مرا دخت رز نشسته به پهلو
به کوی میکه هم یافتند سرخوش و مستم	چه روزها به خرابات، دیده اند خرابم
اگر ز باده کشی نیستم، برای چه هستم	کنون که وقت گل و جوش سنبلیست و ریاحین
به تار زلف سیاهت چه آرزو که نبستم	به یاد لعل لب تو چه خون دل که نخوردم
چه شیشه ها که ز سنگ جفا به دل نشکستم	چه طعنه ها که ز مردم به عشق تو نشنیدم
چه رشکها که نبردند، با تو گر بنشستم	چه اشکها که به یادت نریختم ز دو دیده

چه روزها که به سوز فراق، شام نکردم چه شامها که به ییاد تو تا سحر ننشستم

مکن دگر ز «اسیر» خود ای نگار تغافل

که گر ز دام تو جستم، بدان که جستم و رستم

(کابل عزیز - ۲ جوزای ۱۳۳۲ ش)